

میر آپار قمان

لهراسب زنگنه



www.ketab.ir

آبارتمانه مزامير

لهراسب زنگنه



عنوان و نام پدیدآور : مزامير آبارتمانی : مجموعه شعر / لهراسب زنگنه .
سريشناسه : زنگنه ، لهراسب ،

مشخصات نشر : خوزستان : نشر اليما

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۵۸-۸۷-۲

وضعيت فهرست نویسی : فيفا

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴

رده بندی كنگره : ۹۴۰/۱۹۴ م ۸۳۴۶/۸۳۴۶ PIR

رده بندی ديوي : ۱/۶۱

شماره کتابشناسی ملی : ۴۳۱۵۷۷۱

ناشر : اليما

مدیر هنری : مریم زنگنه اردلی

چاپ نخست : ۱۳۹۹

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

قیمت : ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۵۸-۸۷-۲

سایر حقوق برای نشر اليما محفوظ است.

Elima_pub@yahoo.com

مقدمه

محیط فرهنگی و اندیشه‌ای زندگی مانی بر بستر ادیان و تفکرات بین النهرین تشکیل شد که مان و لاج بسیاری از متون دینی، فلسفی و عرفانی بوده و فرقه‌های آگوستینیکی (عربان)، ناضی و کتاب فلسفی و دینی، اندیشه‌های یونانی و ستاره‌شناسی کلدانی را در بر می‌گرفتند و بابل هم مهد تمدن پیشرفته‌ای بوده است که خاستگاه بسیاری از ساطیر شرق به حساب می‌آید. از جنبه اقتصادی و موقعیت بازرگانی بابل ارتباط آن با مردم غرب، شرقی و شرق دور تا چین و هند و از طرفی با ماوراءالنهر بوده است. در این اقالیم اندیشه و تفکر مُقتسله قوی بود.

دین مانی عمیقاً نسبت به جهان و سازوکار آن بدبین بود. طواری که نیروهای شر را بر خیر مسلط می‌دانست که می‌خواهند مانع رهایی انسان از تن مادی گردند. از آثار مانی متن انجیل زنده، گنج زندگان، زبور مانی به زبان عبری که زبان باستانی مصر بوده است شامل نیایش‌ها، سروده‌ها، دعا، مناجات و موعظه‌های مانی است. کتاب خواستاریفت که اعترافات مانی است که هم مراسم احترام است و هم مزامیر و نیایش عارفانه دارد که ارزش ادبی زیادی دارند.

اندیشه های مانی ناشی از تفکرات دوآلیستی دینی ایران باستان است. فلسفه مانی امید روح به رستگاری است و رهایی از فساد جهان که نمونه زیبای آن در غزل غزل های سلیمان آمده است آنجا که محبوبه به محبوب می گوید: "آه محبوبم کاش تو برادرم بودی آن وقت تو را در حضور دیگران در آغوش می کشیدم و می بوسیدم و کسی نمی توانست بر من ایراد بگیرد." اما هر سال عرفان و فلسفه ی مانوی در طی سده ها بر ادبیات و شعر ما اثر گذاشته که حاصل آن دوران پر شکوه ادبیات را در قرون اسلامی به خود دیده است.

آمیختگی اندیشه مانوی با سنت دوآلیسم در تفکر شرقی ترکیب زیبایی بود که با فرهنگ درختن ایرانی در غزل حافظ تبلور یافت و چکیده روح جمعی و باستانی و هزاره ی است. اندیشه و شعور جمعی در ناخودآگاه اسطوره ای ایرانی، از جنبه منطق ارسطویی این در خلاقیات سعدی، کلیله و دمنه تبلور دارد و از نظر بار مکاشفه و شور شعری این در شطحیات حلاج و بایزید و خرقانی به بار نشسته است و حاصل تمام عرق رازان و رنج و لذت توأمان فرهنگی مردم ما از عقل و خرد بوذرجمهری تا عفت انارطونی و مجازی این در غزل حافظ ماندگار شده اند. اما آیا در وضعیت فرامردن رستگاری که تکنولوژی نه از لحاظ سطح رفاه و ابزار و وسایل مصرفی آن بلکه از جنبه متدولوژی همواره مورد نقادی فلاسفه و نقد ادبی بوده است و نیجه، گاندی، میگن اوناه بو تان گوگ، کپرکه گار و مانند اصول روشمند آن را نقد کرده اند و نظم غیر جهانی آن را زیر سؤال برده اند باز هم می توان عارفانه زیست و بدون هیچ تعلل، بیوی در این مناسبات پیچیده دوام آورد و اندیشه و عمل والا را در همین مناسبات رفاه موجود به نمایش گذاشت؟ و از رهایی روح و روان آدمی از بند ابقال و تنگنای استبداد بدون شک می شود در هر بستری از تاریخ پر فراز و نشیب انسان، چه از گذشته و کارورز و اندیشنده و چه انسان فرهنگی یا سابقه ای دو میلیون ساله شکل از زیست انسانی داشت تا به انسان کاتب هفت هزار ساله رسید می شود هنور به عشق و شور والا به انسان و امید به زندگی و خوشبختی مشترک و همگانی نظر داشت. اگر چه از دید مهندسین و تکنوکرات ها ممکن است سخن گفتن از محو و صحو و جذبه و سلوک و طی طریق مراحل والای آدمیت، امری مضحک، اتوپیایی و غیر ممکن و حتی احمقانه به حساب آید اما آنان بی شک از یاد نبرده اند که بخش بزرگی از ادبیات فارسی و حتی ادبیات جهان وامدار همان حکمت باستانی، عرفان کلاسیک و زهد اسلامی است و بخش بزرگی از تکنولوژی جهان امروز مرهون

هنر انسانی پیشین و هنر و آثار قرون 15 تا 19 میلادی است.

سابقه تأویل متن و بازنگری و بازخوانی متون کهن به دوران فلاسفه یونان باستان باز می‌گردد. هوراس شاعر در دوران خودش از تأثیر خواننده و مخاطب بر متن سخن گفته بود. که شگفت بودن این نظریه در این نکته است که در قرن 20 و بعد از قرون متعادی، نقد ادبی به چنین برداشتی رسیده است. اما هرمنوتیک به مثابه نظریه ای در باب تأویل متون (نوشتاری-گفتاری، ادبی و فنی) است. اصطلاح هرمنوتیک با متن سروکار دارد که شامل کلام مکتوب، نهایی، تجسمی و موسیقایی است و برای درک در بازخوانی و عبور از ظاهر به باطن نیاز به تفسیر و درسی است. البته در مشرق زمین کاربرد آن برای بررسی و شناخت رازها و شهود عرفانی وجود در آثار وجود داشته است.

در اوستا دور در کهن ترین متن آن، فاوست نمادی از شرارت است که در بازنگری گوته در اوج رشد بورژوازی غرب به نوعی از آرزومندی بشری تأویل می‌شود و اسطوره می‌گردد.

در متن توماس مان، سطور فاوست درگیر پرسش های روزگار خویش است اما در تأویل پل والرز از این اسطوره، انسان در رابطه و سوسه شونده اش با شیطان، به جهان مرحله ای است که تکنولوژی رسیده که دیگر سوسه نمی‌شود و حتی شیطان را هم با وسوسه اش از راه بدر کرده و فریب می‌دهد. در متن اودیپ سوفوکل با اودیپ آندره ژر تفاوت بسیار است. در اودیپ سوفوکل، پدر کشته می‌شود تا فرزند با مادر خویش آلودگی را که در هملت شکسپیر، او تنها به چنین موضوعی می‌اندیشد اما هیچ عملی انجام نمی‌دهد. به هر صورت در آنچه که در خوانش مجدد متن صوت می‌آید، خواننده و تأویل گر موظفند فاصله تاریخی بین دو متن را پر کنند و با این اتصال حیات جدیدی به اثر ببخشند. این پروسه می‌تواند از الهام آغاز گردد تا به سرز تأثیرپذیری تا بازسازی برسد. تأویل گر می‌تواند در متن شریک شود و قرائت خوان تر بسازد. البته برای تفسیر و تأویل هر متن، خوانش متن کافی نیست. تأویل گر همچنین باید روح حاکم بر آن دوره یا عصری را که متن نوشته شده در باید و آن را درک کند. برای تأویل و بازسازی رباعیات خیام شناخت مناسبات و روح مسلط در قرن 4 هجری و همچنین کیفیت نگاه آدمیان به هستی لازم است.

ادبیات، ادبیات را تولید می‌کند و همچنین می‌توان از درون پرسش های هستی شناسانه در غزل حافظ به اصلی ترین و عهده ترین مسائلی پی برد که حافظ به مثابه روشنفکر دوره خودش با آنها درگیر بود. مؤلفه هایی چون رند، محتسب و

ریاکار نمادهایی از نوع روابط آدمیان در آن دوره اند که شاعر با آنها درگیر بوده است. اما آیا انسان امروز هم با همان مسائل و پرسش ها درگیر است یا پرسش های جدیدی برای او مطرح شده اند و شاید همان پرسش ها به شکلی جدید برای انسان امروز باز تولید شده اند و البته این کافی نیست که ما آن پرسش ها را به شکل امروزی پاسخ دهیم بلکه همچنین باید به شکلی نگاه خودمان را با نگاه از آن دوره تطبیق داده و به برداشت های جدیدی برسیم.

لهراسب زنگنه

اهواز_ آبان 93